سیاست یا اقتصاد کدام تصمیم می گیرند

کامران، مسعود

از هنگامی که طرح کشیدن خط لوله گازرسانی از ایران‏ به هند-از طریق خاک پاکستان-مطرح شد بیش از ده سال‏ می‏گذرد.در این مدت،دولتهای ایران و هند و پاکستان بارها بر سر این طرح به مذاکره نشسته‏اند،اما در عرصه عمل‏ گامهای بسیار کوتاهی برداشته شده است.در سفر رئیس‏ جمهور خاتمی به هند نیز-در اوایل بهمن ماه 1381-یکی از موضوعاتی که بر سر آن بحث و گفت‏وگو شد،همین طرح‏ خط لوله گاز بود،اما نمی‏توان گفت که بر شتاب گامها در این قلمرو عمل افزوده شده است.به نظر می‏رسد در دو کشور هند و پاکستان،سیاست بر اقتصاد و منافع ملی سایه‏ افکنده است،و هر بار که یکی از طرفین به موافقت گامی‏ پیش می‏نهد،دیگری از سر احتیاط و سوءظن دیرینه،یک‏ گام واپس می‏نشیند.در این زمینه تردید و ابهام،شاید بر دولت ایران است که برای دریافت پاسخ قطعی آری یا نه از هند و پاکستان،با قاطعیت بیشتری رفتار کند.

در این گزارش،با اشاره کوتاهی به طرح خط لوله گاز ایران به هند،سعی می‏کنیم نوسانات سیاسی حاکم بر این‏ طرح را نیز بررسی کنیم.

در آغاز دهه 1990 بود که اندیشه استفاده از گاز،به مثابه‏ «انرژی برتر»به طور جدی‏تری مطرح شد،زیرا گاز هم‏

برای اجرای طرح خط لوله گاز ایران به هند

مسعود کامران‏ ارزانتر است و هم آلودگی کمتری دارد.با افزایش اهمیت‏ گاز در تامین انرژی،کشورهایی که ذخایر عظیم گاز دارند و نیز کشورهای دیگری که برای توسعه خود به انرژی زیادی‏ نیاز دارند،به فکر طراحی انواع خطوط لوله گاز افتادند تا گاز از منابع اصلی به بازارهای بزرگ مصرف انتقال یابد.

بدین‏سان بود که فکر اتصال منابع گاز ایران به هند مطرح‏ شد،زیرا ایران،که دومین کشور جهان از لحاظ ذخایر عظیم‏ گاز است،علاقه‏مند بود که بخشی از گاز خود را صادر کند؛ و هند نیز،برای اجرای برنامه‏های توسعه صنعتی خود،به‏ مقادیر کلان گاز نیاز داشت.برای رساندن گاز ایران به هند، طرحهای مختلفی مورد توجه قرار گرفت،از جمله طرح‏ کشیدن خط لوله از ایران به هند از طریق خاک پاکستان.

بر اساس این طرح،خط لوله‏ای از منطقه«عسلویه»ایران‏ به سمت پاکستان کشیده می‏شود و پس از عبور از بخش‏ جنوبی این کشور،به مرکز گازرسانی منطقه‏ای به نام‏ «سوئی (Sui) »می‏پیوندد و بالاخره به مرز هند می‏رسد.در هند نیز،این خط لوله به مرکز گازرسانی- HBJ که خط لوله‏ گازرسانی به شمال شرقی هند است متصل می‏شود.طول‏ خط لوله در ایران حدود 1100 کیلومتر،در پاکستان 700 و در هند 800 کیلومتر برآورد شده است.طبق برآوردهای اولیه، هزینه سرمایه‏گذاری برای اجرای این طرح به حدود 5/3 میلیارد دلار بالغ می‏گردد.

چه کسی،چه سودی می‏برد؟

اگر عقل سلیم و انصاف را به داوری بخوانیم،می‏توان‏ گفت که طرح خط لوله انتقال گاز ایران به هند-از طریق‏ پاکستان-از جهات مختلف به سود هر سه کشور است و می‏تواند یکی از مظاهر همکاری طبیعی میان سه کشور مهم‏ منطقه باشد.ببینیم چه کسی،چه سودی می‏برد.

1.هند که رشد اقتصادی سالانه 8/12 درصد را برای‏ توسعه بلند مدت خود در نظر گرفته،به انرژی زیادی نیز دارد و با اجرای این طرح،می‏تواند از گاز ارزان و تمیز برخوردار شود.با توجه به روابط دوستانه دیرینه ایران و هند، منبع تامین کننده این انرژی نیز بسیار مطمئن است.

2.پاکستان،علاوه بر برداشت گاز از خط لوله،از بابت‏ حق ترانزیت گاز ایران به هند نیز سالانه 200 میلیون دلار نصیب می‏برد.افزون بر این،عبو این خط لوله از پاکستان‏ به ایجاد نوعی تعامل مثبت اقتصادی بین هند و پاکستان‏ یاری می‏رساند،فضای تنش آلود میان دو کشور را آرامتر می‏سازد،و حتی به ثبات کلی منطقه نیز کمک می‏کند.

همکاری اقتصادی میان دو قدرت هسته‏ای قاره آسیا، از لحاظ ژنوپلیتیک جهانی نیز بسیار مهم است و بی‏جهت‏ نیست که این خط لوله را«خط لوله صلح»نیز نامیده‏اند.

3.ایران برای فروش گاز خود بازار مطمئن و بلند مدتی‏ چون بازار هند را به دست می‏آورد.

4.از دید کلی اقتصادی نیز این طرح برای هر سه کشور بسیار سودمند خواهد بود،زیرا برای شرکتهای نفتی، ساختمانی و خدماتی آنها فرصتهای اشتغال فراوان پدید خواهد آورد.

وقتی پاکستان می‏گوید،بله...

هنگامی که نزدیک به ده سال پیش،طرح خط لوله‏ انتقال گاز ایران به هند مطرح شد،هند و پاکستان برای‏ موضع‏گیری نسبت به آن مدتی درنگ کردند.پس از چندی هندیها از طرح استقبال کردند،زیرا آن را منطبق با منافع اقتصادی و سیاسی بلند مدت کشورشان می‏دانستند.

شاید درست به همین دلیل،پاکستانیها از در مخالفت درآمدند!آنان احتمالا می‏پنداشتند که با دادن‏ اجازه عبور گاز از خاک خود به هند،توسعه اقتصادی‏ دشمن خود را تسهیل می‏کنند.شنیدنی است که هم دولت‏ خانم«بی‏نظیر بوتو»(از حزب مردم)و هم دولت«نواز شریف»(از حزب مسلم لیگ)با طرح مخالف بودند.بعد از مدتی،هندیها پیشنهاد کردند که خط لوله از آبهای کم‏ عمق دریا-که در بخش آبهای سرزمینی پاکستان قرار دارد -عبور کند.پاکستانیها باز هم مخالفت کردند و حتی از دادن اجازه برای انجام مطالعات امکان سنجی خط لوله‏ دریایی هم طفره رفتند.

این وضع ادامه داشت تا در پاکستان کودتای نظامی به‏ رهبری ژنرال«مشرف»به وقوع پیوست و به نظر می‏آید که‏ او سیاست پاکستان در مورد خط لوله را تغییر داده است. گفته می‏شود که در سفر ژنرال مشرف به تهران،رئیس‏ جمهور خاتمی منافع اقتصادی احداث خط لوله گاز را برای‏ او تشریح کرده و از او قول موافقت گرفته است.آن مذاکرات‏ هر چه باشد،این را می‏دانیم که چند ماه پس از بازگشت‏ ژنرال مشرف از ایران،پاکستان رسما موافقت خود را با طرح‏ خط لوله گاز اعلام کرد؛حتی به درخواست ایران،مشرف‏ در یک کنفرانس رادیو-تلویزیونی نظر موافق دولت پاکستان‏ را شخصا اعلام کرد،و چند بعد هم،مصوبه هیات دولت‏ پاکستان را مبنی بر موافقت با طرح خط لوله،برای رئیس‏ جمهور خاتمی فرستاد.بدین ترتیب،پاکستان،بعد از مدتها تردید،ظاهرا به این طرح ده ساله گفت:«بله!»اما...

هند می‏گوید:نه!

اما این بار هندیها دچار تردید شدند و ظاهرا از موضع مثبت‏ خود عدول کردند.دلیل؟به نظر می‏رسد که مهمترین دلیل‏ همان سوءظن دیرینه هند و پاکستان،بدون هیچ سوءنیتی، ناگهان سیاست قدیمی خود را درباره خط لوله تغییر داده‏ باشد،و شاید می‏پندارد که به اصطلاح کاسه‏ای زیر نیم کاسته است.

با توجه به اعلام موافقت پاکستان،هندیها که نمی‏خواستند یا نمی‏توانستند صریحا با طرح خط لوله زمینی مخالفت‏ کنند،در همه مذاکرات دو موضوع را مطرح می‏کردند:

1.به موضع جدید پاکستان-مبنی بر موافقت با خط لوله‏ زمینی-اطمینان و اعتمادی ندارند.

2.حتی اگر موضع جدید پاکستان از روی صداقت باشد، در آن کشور گروههای تندرو زیادی وجود دارند که با هرگونه همکاری هند و پاکستان مخالف‏اند،و حتی اگر روزی خط لوله احداث شود،آن را منفجر خواهند کرد و عرضه گاز همواره با مشکل روبه‏رو خواهد شد.در زمان‏ تیره شدن روابط سیاسی هند و پاکستان هم،همان گروههای‏ فشار دولت پاکستان را وادار خواهند کرد که شیرهای گاز را به روی هندوستان ببنددد،و به هر حال خط لوله امنیتی‏ نخواهد داشت.

در چنین فضایی بود که گروه مشترک کاری بین ایران‏ و هند تشکیل شد و موضوع طرح خط لوله گاز را هم مورد بررسی قرار داد.از آنجا که خط لوله زمینی همواره مورد شک و تردید بود،دو گزینه مطرح شد؛اول.خط لوله‏ زمینی؛دوم.خط لوله دریایی،که از آبهای عمیق بگذرد و در واقع آبهای سرزمینی پاکستان را دور بزند و هیچ‏گونه‏ رابطه‏ای با پاکستان نداشته باشد.این خط لوله دریایی- که پیشنهاد جدیدی بود.گرچه به علت عمق 3000 متری‏

طرح خط لوله‏ انتقال گاز ایران به هند -از طریق پاکستان- از جهات مختلف به سود هر سه کشور است

ایران نمی‏تواند سرنوشت صادرات بخشی‏ از گاز خود را به سیاستهای پرنوسان هند و پاکستان گره بزند

دریا بسیار مشکل می‏نمود،اما دست‏کم از نظر سیاسی‏ ظاهرا مشکل کمتری داشت.بنا بر این،ایران و هند پیش‏ مطالعات امکان سنجی در مورد این خط دریایی را مشترکا آغاز کردند.این مطالعات به دو شرکت«اسنام پروجتی» و«سایپم»سپرده شد که در همان زمان در دریای سیاه و در عمق 2000 متری مشغول احداث خط لوله گاز بودند.

کار مطالعات امکان سنجی آغاز شده و قرار است نتیجه‏ کار تا چند ماه دیگر اعلام شود.

و اما خط لوله زمینی هم زیر ذره‏بین امنیتی قرار گرفت و قرار شد ایران و هند پیش مطالعه امکان سنجی در این مورد را هم مشترکا انجام دهند،ولی به دلایل نامعلومی این مطالعه‏ به طور یکجانبه و توسط شرکت ملی نفت ایران انجام شد.

بخشی از این مطالعه به اتمام رسیده و بخش دیگر آن هنوز در دست اقدام است.

سه پیشنهاد برای تضمین امنیت خط لوله گاز

از همان آغاز مطالعه خط لوله زمینی،مسائل امنیتی این‏ خط نیز در کار گروه مشترک ایران و هند مورد توجه قرار گرفت و در سه مرحله،سه پیشنهاد برای تامین امنیت آن‏ ارائه شد:

1.در مرحله اول پیشنهاد شد که برای انجام این طرح، یک کنسرسیوم بین المللی،متشکل از شرکتهای نفت و گاز بزرگ و چند ملیتی،با مشارکت بخش دولتی یا خصوصی‏ کشورهای ذی‏ربط،تشکیل شود و عمده سهام کنسرسیوم‏ هم متعلق به شرکتهای چند ملیتی باشد.طبق این پیشنهاد، کنسرسیوم مالکیت خط لوله و مدیریت عملیات و تامین‏ مالی آن را به عهده می‏گیرد.به این ترتیب،ایران و هند و پاکستان هر یک متعهد به عقد قرارداد با کنسرسیوم خواهند بود و کنسرسیوم نیز با استفاده از چارچوبهای قراردادی، حقوقی و مالی مناسب،روابط خود را با سه کشور تعریف‏ و تعیین می‏کند.به این ترتیب،چون بخشی از کار به یک‏ کنسرسیوم بین المللی معتبر سپرده می‏شود،امنیت عبور گاز از خط لوله نیز تضمین می‏گردد.

2.پیشنهاد دوم در زمان سفر«واچپایی»،نخست‏وزیر هند، به ایران مطرح شد.هندیها اعلام کردند که اگر ایران گاز را در مرز هند به آنها بفروشد،خاطرشان آسوده‏تر خواهد بود، زیرا طرف خود را ایران تلقی می‏کنند و کاری به پاکستان‏ ندارند.ایران با این درخواست هند موافقت کرد و اعلام نمود که برای رفع یا کاهش نگرانی هند از دخالت پاکستان در خط لوله و احتمال قطع گاز به هند،آماده است که ترتیبات‏ مناسب و موثری را پیشنهاد کند.حتی رسانه‏ها اعلام‏ کردند که ایران قول داده است در صورتی که پاکستانیها گاز را در مرز هند قطع کنند،ایران نیز شیر گاز را در مرز خود به‏ روی پاکستان خواهد بست.

3.پیشنهاد سوم امنیتی وقتی مطرح شد که شرکت‏ استرالیائی BHP نتایج بخشی از مطالعات خود را اعلام کرد. این شرکت پیشنهاد کرده بود که در داخل هند تانکرهای‏ بزرگ ذخیره گاز تعبیه شود.این تانکرهای بزرگ ذخیره‏ گاز،به هنگام قطع موقت گاز،می‏توانند گاز مورد نیاز هند را تامین کنند.

به نظر می‏آید که این سه شیوه تأمین امنیت خط لوله،در قیاس با تضمین‏های امنیتی خطوط لوله مشابه در جهان، بسیار اطمینان بخش‏تر و قانع کننده‏تر هستند و می‏بایستی‏ نگرانی هندیها را از بابت امنیت خطوط لوله رفع کرده باشند، اما فضای حاکم بر روابط بین هند و پاکستان و افت و خیزها و نوسانات سیاسی،هر گونه تضمین مطمئنی را هم سست‏ می‏نماید.از همه بدتر سوءظن مزمن و دیرپایی است که‏ سالها است بر روابط هند و پاکستان مسلط است و به منافع‏ و مصالح هر دو لطمه می‏زند.

حوادث بعد از ماجرای 11 سپتامبر و بویژه حمله به‏ پارلمان هند و کشته شدن گروهی از نمایندگان مردم و افراد پلیس،فضای بدبینی و عدم اعتماد میان دو کشور را باز هم تیره‏تر ساخت و کار به لشکرکشی و آماده‏باش‏ نظامی در مرزهای هند و پاکستان کشید.در چنین فضای‏ تیره‏ای،اجرای طرح خط لوله گاز از طریق خاک پاکستان‏ نیز تقریبا ناممکن شد،به طوری که هندیها بررسی این طرح و هر گونه مذاکره درباره آن را در حاشیه کار خود قرار دادند و تمایل چندانی هم برای پیگیری کار این پروژه‏ از خود نشان ندادند.در این میان پاکستان،حتی در اوج‏ درگیریها با هند،با زیرکی خاصی آمادگی خود را برای‏ اجرای طرح خط لوله زمینی اعلام کرد و به نظر می‏رسد که موضع کنونی دولت پاکستان نیز همین است.

ایران بیشتر ریسک می‏کند

در داوری نهایی،می‏یابد عوامل و متغیرهای مثبت و منفی‏ جدیدی را نیز که در یک سال گذشته ظهور کرده‏اند در نظر بگیریم.برخی از این داده‏های جدید عبارتند از:

1.مطالعات جدید نشان داده است که پاکستان از سال 2005 به بعد،نیاز بیسشتری به تامین انرژی از منابع خارجی می‏خواهد داشت.بدیهی است که گاز سوختی ارزانتر و با صرفه‏تر و تمیزتر است و ایران نیز نزدیکترین و مطئمن‏ترین منبع برای‏ تامین گاز پاکستان است.

2.مطالعات اولیه نشان می‏دهد که پاکستان برخلاف‏ برآوردهای گذشته به گاز بیشتری نیاز دارد.نسبت برداشت‏ پاکستان به هند را 57/0 در برابر 1 برآورد کرده‏اند.این میزان‏ برداشت می‏تواند به معنی وابستگی پاکستان به خط لوله‏ تلقی شود و طبیعی است که پاکستان،با این‏ میزان از وابستگی،در حفظ امنیت خط لوله‏ خواهد کوشید؛و این نکته می‏باید در جلب‏ اعتماد هند-نسبت به ضریب امنیتی‏ خط لوله-موثر باشد.

3.مطالعات اولیه درباره هزینه‏های مالی‏ طرح خط لوله گاز نشان می‏دهد که سهم‏ ایران در سرمایه‏گذاری به مراتب بیشتر از هند و پاکستان خواهد بود.برآورد اولیه نشان‏ می‏دهد که دست‏کم 48 درصد هزینه‏های‏ سرمایه‏گذاری را ایران باید تقبل کند.

اگر هزینه‏های سرمایه‏گذاری در توسعه‏ میدانهای گازی را هم در نظر بگیریم،سهم‏ ایران در ریسک سرمایه‏گذاری باز هم‏ افزایش خواهد یافت.

در واقع،ایران افزون بر چند میلیارد سرمایه‏گذاری،چند سال از وقت مملکت را نیز به گرو گذاشته است؛وانگهی، با این همه صبر و بردباری در گفت‏وگوها،فرصتهای دیگر سرمایه‏گذاری را هم از دست می‏دهد.با این همه‏ سرمایه‏گذاری،طبیعی است که ایران بیش از هند نگران‏ امنیت این خط لوله خواهد بود و تمهیدات لازم را برای‏ ارتقای هر چه بیشتر ضریب امنیت به کار خواهد بست.

4.در این میان،طرحهای دیگری نیز برای احداث این خط لوله،از سوی برخی از شرکتها-و حتی نمایندگان رسمی و غیر رسمی برخی دولتها-مطرح شده که به نظر می‏رسد برای‏ منحرف کردن توجهات از این پروژه است و احتمالا این‏ جریان از سوی رقبا هدایت می‏شود.

چند پرسش درباره آینده طرح

به نظر می‏رسد آنچه درباره طرحهای مربوط به تقویت‏ ضریب امنیتی طرح خط لوله زمینی گاز گفتیم،منطقا می‏باید نگرانی‏های هندیها را رفع کرده باشد؛اما هندیها در سفر اخیر رئیس جمهوری ایران نشان دادند که هنوز هم اسیر روابط سرشار از سوءظن خود با پاکستان هستند.

دولت واچپایی هنوز هم می‏هراسد که اگر با صلح خط لوله گاز موافقت کند،از سوی رقبای داخلی خود به‏ سازش با پاکستان متهم شود.

گفته می‏شود در چند ماه اخیر با میانجی‏گری آمریکا تنش‏ بین هند و پاکستان تا حدود زیادی کاهش یافته است.بعد از چند سفر معاون وزیر خارجه آمریکا به پایتخت‏های دو کشور هند و پاکستان،و پس از تمام شدن کار صدام حسین‏ در عراق و تسلط نیروهای آمریکایی و انگلیسی بر این کشور، هر دو طرف از در مسالمت با یکدیگر درآمدند و با مبادله‏ سفیر،مرحله جدید و کم‏تنشی را آغاز کردند.این فضای‏ جدید،امید به پیشرفت خط لوله را افزایش می‏دهد.در عین‏ حال،وزیر نفت هند در سفر اردیبهشت ماه امسال خود به‏ ایران،همچنان بر نگرانی‏های امنیتی کشورش پای فشرد و پاسخ نهایی را منوط به تمام شدن مطالعات امکان‏سنجی دو گزینه خط لوله دریایی و زمینی و مقایسه آنها با یکدیگر کرد.

حتی برخی مقامات هند موافقت خود را با گزینه خط لوله‏ زمینی منوط به عادی شدن تمام روابط اقتصادی هند و مسیر خط لوله:2600 کیلومتر هزینه:5/3 میلیارد دلار هدف:رساندن گاز ایران به هند و پاکستان‏ پاکستان می‏دانند.شرایطی که اغلب صاحب نظران به معنی‏ تعلیق به محال کردن آن می‏دانند.در تحلیل این شیوه‏ موضوع‏گیری هندی‏ها،ناظران و تحلیل‏گران انرژی و سیاسی منطقه معتقدند که هندی‏ها خود می‏دانند که دلایل‏ مطرح شده از سوی ایشان منطق زیادی ندارد و نمی‏تواند به‏ طور قاطع گزینه خط لوله زمینی را مردود بشمارد.به همین‏ دلیل است که آنها محکم به دلایل کلی امنیتی چسبیده‏اند.

احتمال داده می‏شود که هندی‏ها با مشکل جدی داخلی‏ روبه‏رو هستند و یا این دلایل را به مثابه اهرمی برای چانه‏زنی‏ می‏دانند و یا در حال انجام معامله با کشورهای دیگر هستند و می‏خواهند زمان و فرصت بیشتری برای خود بخرند.البته‏ در این میان باید گفت بسیاری از روشنفکران،محققان‏ موسسات مطالعات انرژی هند،چه دولتی و چه خصوصی‏ و حتی برخی سیاستمداران،در عین حالی که در سوءظن به‏ پاکستان با دیگر هموطنان خود شریکند،اما معتقدند که‏ می‏توان راه‏حل معقول و قابل قبولی برای عملی کردن گزینه‏ زمینی پیدا کرد.

برای ایران یک پرسش اساسی این است که:«پروژه‏ مهمی چون طرح خط لوله گاز تا کی باید گروگان بازیهای‏ سیاسی هند و پاکستان یا سیاست داخلی هند باشد؟»برای‏ دریافت پاسخ این پرسش،شاید هنوز هم می‏باید سیاست‏ صبر و انتظار را پیشه کنیم.اما پرسشهای دیگری هستند که‏ نه تنها ایران،بلکه هند و پاکستان هم می‏باید به آنها بیندیشند؛ از آن جمله است:

1.عامل زمان به سود چه کسانی است؟چه کسانی از تاخیر در اجرای این پروژه نفع می‏برند؟

2.قدرت مانور هند در مذاکرات،امروز بیشتر است،یا پنج‏ سال دیگر،یعنی زمانی که نیاز هند به انرژی خیلی بیشتر خواهد شد؟

3.پاکستان چه خواهد کرد؟از چه راهی انرژی مورد نیاز خود را تامین خواهد کرد؟آیا به خط لوله ترکمنستان- افغانستان-پاکستان چشم دوخته است؟یا به خط لوله ایران‏ -پاکستان(بدون هند)می‏اندیشد؟

4.سرنوشت LNG (گاز مایع)به کجا خواهد انجامید؟و تا چه حد می‏تواند نقش مکمل و موثری داشته باشد؟

5.همه پیش‏بینی‏های معتبر،حکایت از آن دارد که جهان‏ برای ادامه رشد اقتصادی خود به نفت و گاز نیاز دارد و تقاضا برای این دو منبع سوخت فسیلی،حداقل تا سال 2025 میلادی رو به افزایش است.این به معنی افزایش قیمت نفت‏ و گاز بطور نسبی خواهد بود.از طرف دیگر،اروپا از هم اکنون‏ چشم به منابع گاز ایران دوخته است و توجه ایران را که زمانی‏ به طور کامل به سمت شرق متوجه بود اکنون به سمت خود کشانده است.اگر شرایط بازار انرژی حداقل در منطقه به‏ دلایل فوق و یا به دلایل سیاسی سخت‏تر شود و یا قیمت‏ها گرانتر شود،آیا هندی‏ها همچنان از بازی سیاسی خود احساس رضایت خواهند کرد؟

شکی نیست که ایران نمی‏تواند سرنوشت صادرات‏ بخشی از گاز خود را به سیاستهای پرنوسان هند و پاکستان‏ گره بزند.برای ایران می‏توان فرصتهای جایگزین دیگری‏ پیدا کرد که ریسک کمتری داشته باشد.

با عنایت به همه آنچه گفتیم،به نظر می‏رسد که می‏باید پروژه خط لوله گاز را از دور باطل سیاست بازیهای هند و پاکستان درآورد.شیوخ و فرزانگان روشن‏بین و دوراندیش‏ هند،با توجه به منافع ملی بلند مدت کشور خود،می‏توانند دولت هند را به مشارکت جدی‏تر در این طرح بزرگ‏ منطقه‏ای تشویق کنند.

و اما دولت ایران،باید سقف زمانی مشخصی را برای پیش‏ بردن و قطعی کردن طرح خط لوله گاز تعیین کند تا در صورت تداوم سیاسی‏کاریهای هند و پاکستان از صرف‏ هزینه بیشتر جلوگیری نماید و به فکر گزینه‏های دیگر باشد.

به نظر می‏رسد که هندیها برای اینکه این طرح از دور باطل‏ نجات یابد،عنصر موثرتری هستند.اگر هندیها مجددا موضع‏ مثبت اتخاذ کنند،لااقل به پاکستان هم کمکی می‏کنند که‏ هر چه زودتر موضع واقعی خود را روشن کند.آیا در چنین‏ شرایطی پاکستان موضع فعلی خود را تغییر خواهد داد؟